



مبارزه پرستاران برای دستمزدی عادلانه

پرستاران مبارز کشورمان در مبارزه برحق خود برای "اجرای قانون تعرفه‌گذاری، اجرای صحیح قانون بهره‌وری، پرداخت معوقات مزدی و اضافه‌کاری‌ها"، رفع موانع استخدامی و رفع اضافه‌کاری‌های اجباری، در سال‌های اخیر پویه‌های مبارزاتی‌ای تحسین‌برانگیز و دربردارنده درجه‌ای از سازمان‌دهی را به‌پیش برده‌اند. تحویل و ثبت نامه سرگشاده‌ای با امضای "هفده هزار تن از پرستاران" کشور به‌وسیله نمایندگانشان به وزارت کشور در روز ۳۱ خردادماه و راه‌اندازی کارزاری در فضای

مجازی زیر عنوان: "اجرای قانون تعرفه‌گذاری پرستاری به‌نفع مردم و بیمه‌هاست" و "با اجرای قانون تعرفه‌گذاری از ورشکستگی بیمه‌ها جلوگیری نمایم"، در دو ماه اخیر، دو نمونه از این مبارزات قابل تحسین پرستاران کشورمان بوده است. به‌گزارش ۱۰ شهریورماه اینها، "هشتم و بیست و هفتم هر ماه، [پرستاران] با راه‌اندازی یک کارزار در شبکه‌های

ادامه در صفحه ۳



شماره ۱۱، ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۷

بسته ارزی دولت، و قدرت خرید زحمتکشان



۲۷ مردادماه، گفت: "افزایش دستمزد نه... روز ۵ شهریورماه، بار دیگر اینها از تشکیل "کمیته دستمزد" شورای عالی کار خبر داد، اما به‌علت حضور نیافتن نمایندگان کارفرمایان، شرکت کنندگان وارد جزئیات عددی سید معیشت نشدند و قرار شد جلسه بعدی کمیته دستمزد نهایتاً ظرف مدت یک هفته برگزار شود. در وضعی که افزایش دستمزد پایه کارگران حداقل تا سطح خط فقر اعلام‌شده رسمی نیاز مبرم کنونی است، کارگزاران رژیم در هفته‌های اخیر صرفاً توزیع بسته حمایتی بین "اقشار آسیب‌پذیر" را "وعده" داده‌اند. روز ۱۹ شهریورماه اینها نوشت: "مسئولان دولتی تلاش دارند کارگران را با سایر گروه‌های مردم و به‌طور مشخص اقشار آسیب‌پذیر در یک سید قرار دهند... اما خبری از افزایش دستمزد نیست!" در وضعیتی که افزایش لگام گسیخته قیمت ارز افزایش ۹۲٫۶ درصدی حتی قیمت میوه تولید شده در کشور را باعث شده است، کارگزاران رژیم و حتی برخی رهبران تشکل‌های زرد حکومتی افزایش دستمزد [!!] را موجب افزایش نرخ تورم عنوان کرده‌اند. رئیس کارگروه مزد شورای عالی کار- یعنی همان رهبر تشکل زرد حکومتی‌ای که قبلاً از کاهش ۷۲ درصدی "قدرت خرید کارگران در چند ماه اخیر سخن گفته بود و" نرخ "سید معیشت را" حدود

ادامه در صفحه ۳

یک دلار آمریکا در هفته دوم شهریورماه به ۱۵ هزار تومان نیز رسید. رئیس کل بانک مرکزی در واکنش به تأثیرهای افزایش لگام گسیخته قیمت ارز بر معیشت زحمتکشان، اخیراً اعلام کرده بود: "نرخ کالاهای اساسی تا پایان فروردین‌ماه ۹۸ بدون تغییر باقی خواهد ماند." در صورتی که بنا بر گزارش ۱۷ شهریورماه خبرگزاری مهر، حتی مواد و کالاهای تولید داخلی کشور مانند لبنیات، تخم مرغ و میوه‌های تازه در مدت یک سال به‌ترتیب افزایش قیمت ۳۸٫۴، ۵۱٫۸ و ۹۲٫۶ درصدی داشته‌اند. برخی کارگزاران رژیم در هفته سوم شهریورماه پایین آمدن قیمت ارز را "مژده" دادند، در حالی که روز ۱۸ شهریورماه، یک اقتصاددان گفت: "این یک بازی سازمان‌یافته آقایان است که نرخ ارز را چند هزار تومان بالا می‌برند بعد مثلاً هزار یا دو هزار تومان کاهش می‌دهند سپس ادعا می‌کنند که نرخ ارز افت داشته است. در حالی که این افراد هیچ سخنی در مورد افزایش نرخ دلار از ۳۵۰۰ تومان به ۱۴۵۰۰ تومان نمی‌گویند و این یک... مهندسی افکار عمومی است." توزیع حدود ۳۰ میلیارد دلار بین وابستگان رژیم در عرض مدت فقط دو ماه و افزایش سرسام‌آور قیمت ارز در ماه‌های اخیر، اثراتی ویرانگر بر معیشت زحمتکشان داشته و زمینه تعطیل شدن بنگاه‌های تولیدی و بیکاری هزاران کارگر را فراهم آورده است.

رهبران تشکل‌های حکومت ساخته، در آخر اسفندماه ۹۶، در حالی که "سید معیشت حداقلی" را دو میلیون و ۶۶۰ هزار تومان محاسبه کرده بودند، در نهایت رقم "یک میلیون و ۱۱۶ هزار تومان" پیشنهادی وزارت کار را به‌منزله حداقل دستمزد ۹۷- یعنی: حداقل دستمزد اکثر کارگران مشمول قانون کار- پذیرفتند. سرپرست جدید وزارت کار،

در راه ارتقای سطح مبارزاتی جنبش کارگری - سندیکایی بکوشیم: جنبش سندیکایی زحمتکشان، ضرورت اتحاد عمل فراگیر

مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در ماه‌های اخیر اوج گرفته و نکته‌هایی مهم از مبارزه را برجسته ساخته که ضروری است در مرکز توجه و ارزیابی قرار گیرند. نوسان نرخ ارز، افزایش قیمت دلار و همراه با آن سقوط ارزش پول ملی، وضعیت معیشتی طبقه کارگر و زحمتکشان را با دشواری‌های بسیاری رو به رو کرده است. طرح ارایه بسته حمایت کالایی برای "اقشار آسیب‌پذیر" هیچ‌گونه تغییری در وضعیت معیشتی توده‌های محروم جامعه به‌وجود نخواهد آورد. تجربه سالیان پیش ازجمله پرداخت یارانه نقدی و بسته‌های حمایتی برای کارگران ثابت می‌کند که در چرخه فساد نهادینه‌شده حکومتی چنین اقدام‌هایی صرفاً به‌هدف جلوگیری از رشد و گسترش ناراضی‌های اجتماعی است و نمی‌تواند تأثیری مثبت بر آینده معیشت توده‌ها داشته باشد.

در وضع بحرانی کنونی، دولت و کارفرمایان در برابر خواست به‌حق زحمتکشان برای افزایش حداقل دستمزد به‌دلیل کاهش ارزش پول ملی، به بهانه‌هایی گوناگون مقاومت کرده و مخالفت‌شان را اعلام می‌کنند. به‌گزارش روزنامه جهان صنعت، ۲۰ شهریور

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه در راه ارتقای سطح مبارزاتی جنبش...

ماه: برخی از کالاها و اقلام معیشتی مورد نیاز خانوارها از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند و در این زمینه به‌هیچ عنوان مزد و مزایای کارگران جوابگوی مخارج آنها نیست. ... روز به‌روز سفره کارگران خالی‌تر و بر مشکلات زندگی و معیشت آنها افزوده می‌شود. ... نوسانات شدید قیمت‌ها در بازار نیز شرایط را دوچندان سخت کرده‌است. در بخش دیگر این گزارش تأکید شده است: "کارگران اکنون بیش از ۵۲ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند. ... کارفرمایان بزرگ، بانک‌ها و مؤسسات مالی از هفت دولت آزاد هستند و هر بلایی دلشان می‌خواهد سر مملکت می‌آورند... آنها هرکاری بخواهند در بازار انجام می‌دهند." دولت و رژیم در حالی با افزایش واقعی و عادلانه دستمزد زحمتکشان مخالفت می‌کنند که در گرامر بحران ارزی و اقتصادی بسته‌های حمایتی به بانک‌های خصوصی تعلق گرفت. در یک مورد معین ۱۵ هزار میلیارد تومان از صندوق پس‌انداز ملی به مؤسسه‌های اعتباری که خصوصی و وابسته به نهادهای مذهبی و بنیادهای انگلی‌اند به‌نام حل معضل سپرده‌گذاران، پرداخت شد.

نوسان نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی در حقیقت چپاول دارایی مردم و بیش از همه غارت درآمد ناچیز کارگران و زحمتکشان است. از این بحران، کلان‌سرمایه‌داری و مؤسسه‌های اعتباری و بانک‌های خصوصی سودی هنگفت به‌بهای فقر بیشتر توده‌ها برده و می‌برند. بر بستر و زمینه چنین اوضاعی جنبش اعتراضی کارگران در سراسر کشور ابعادی تازه یافته و به‌موازات آن‌ها خواست‌ها، شعارهای اعتراضی، اعتصاب‌ها نه‌تنها از صراحت کلام و آمادگی بهتر گواهی می‌دهند، بلکه در قیاس با گذشته از قوام بیشتری برخوردار شده‌اند. با این وجود، مبارزات پراکنده اعتراضی کارگران و زحمتکشان در مسیر گذر از حالت تدافعی و نقطه پایان نهادن بر دوران عقب‌نشینی به‌هدف تأمین منافع صنفی و سیاسی نیز برقرار کردن پیوندی محکم‌تر با مبارزه همگانی ضد استبدادی، با چالش‌ها و موانع ذهنی و عینی‌ای معین روبرو است که ضرورت شناخت و سراخار ارائه راه‌حل برای آن‌ها و وظیفه‌ای مهم خواهد بود. اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه، ذور تازه اعتراض‌های کارگران راه‌آهن سراسری، اعتصاب و تجمع کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، تجمع کارگران پالایشگاه ستاره خلیج فارس و ده‌ها اعتصاب بزرگ و کوچک در ماه‌های اخیر، در نقاط مختلف کشور دربردارنده درس‌ها و تجربه‌هایی بود که توجه موشکافانه به آن‌ها بسیار مهم است. در حرکت‌های اعتراضی نسبتاً متشکل و تأثیرگذاری مانند آنچه کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه سازمان داده‌بودند، محور خواست‌ها علاوه بر موضوع‌های مبرم و حیاتی‌ای صنفی همانند امنیت شغلی، پرداخت معوقه‌های مزدی، راه‌اندازی خط تولید، طرح مترقی طبقه‌بندی مشاغل و نظایر آن‌ها، تأکید آگاهانه بر توقف برنامه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی به‌شکلی پرنگ مطرح شد. کارگران به‌حق ریشه و علت نابودی حقوق صنفی و مشکلات بی‌شمارشان را در اجرای برنامه خصوصی‌سازی یا به‌عبارت دقیق‌تر ادامه سیاست خانمان‌برانداز تعدیل ساختاری می‌بینند. در تمامی اعتراض‌های کارگری، مخالفت و مقابله با خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی به‌شکل‌هایی گوناگون پرنگ و برجسته بوده‌اند. به‌طور مثال، در اعتراض‌های کارگران کمپرسورسازی تبریز، پالایشگاه اصفهان، مجتمع کشت و صنعت مغان، کارخانه بسته‌بندی قزوین و نظایر آن‌ها، مخالفت با واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی در مرکز خواست‌های زحمتکشان قرار داشته و دارد. این امر گامی به‌پیش و در راستای ارتقای سطح مبارزاتی و رزم‌جویی جنبش کارگری-سندیکایی در شرایط حساس و بغرنج کنونی می‌تواند ارزیابی شود.

تحول‌های صحنه سیاسی، تغییرات در ترکیب تیم اقتصادی دولت، مانورهای مجلس و دولت، مناسبات سیال و نوپدید بین جناح‌های حکومتی به‌هدف حفظ نظام، اعمال فشار از سوی امپریالیسم به‌منظور تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی میهن ما که هدف آن تقویت نیروهای ضدملی، مرتجع و معتقد به سیاست‌های نولیبرالی‌اند، همگی، گویای این واقعیت است که جنبش کارگری نیز جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما، با وجود همه نارسایی‌های کنونی‌اش برای رویارویی با تغییر و تحول‌های سیاسی می‌باید از آمادگی و روحیه رزمندگی‌ای متناسب با وضعیت و توان خود برخوردار باشد.

اعتصاب‌ها و به‌طور کلی مبارزات پراکنده کنونی، برخلاف ادعای برخی محفل‌ها، به‌هیچ روی بی‌تأثیر نبوده و نیستند. این مبارزه بر بستری از واقعیت‌ها و نیازهای عینی جامعه جریان دارد و به‌این علت در صورت سازمان‌دهی‌ای مناسب و برقرار کردن پیوندی محکم‌تر با گردان‌های دیگر جنبش خلق، به‌هسته و کانون مرکزی جنبش همگانی ضد استبدادی در جهت تغییرات به‌سود اکثریت جامعه، به‌ویژه در جهت منافع توده‌های محروم و حذف حاکمیت ولایت فقیه که سد اصلی در راه تحول کشور است، می‌تواند و باید تبدیل شود. از این روی، باید توجه داشت که تعیین شعارها، چگونگی حرکت به سمت همبستگی و توان‌یابی در سازمان‌دهی در مبارزات جنبش اعتراضی زحمتکشان می‌تواند در میزان ژرفش و گسترده‌گی جنبش نقشی قاطع و مؤثر داشته باشد. با تشخیص این واقعیت و تأکید بر آن است که ارگان‌های امنیتی رژیم و مجموعه دستگاه‌های حاکمیت در قبال پیکار رو به‌رشد زحمتکشان - خصوصاً در مرحله حساس کنونی - برنامه‌های چندلایه و به‌دقت محاسبه شده را دنبال می‌کنند: به‌وجود آوردن تفرقه، سرکوب سیستماتیک، شایعه پراکنی، تشکیلات سازی، چهره‌تراشی و رهبرسازی، نفوذ در تشکل‌های مستقل، رواج شعارهایی انحرافی و ناپهنگام، رواج فضای ناامیدی، تهدید و تطمیع فعالان و مبارزان سندیکایی از زمره موردهایی هستند که متناسب با وضعیت، از سوی رژیم ولایت فقیه پیگیری و گام‌به‌گام اجرا می‌شوند. درست کردن تشکیلاتی موازی به‌نام تشکل‌های مستقل کارگری و استفاده از عنصرهایی معین، یکی دیگر از ترفندهای رژیم در چند ماه اخیر بوده است که باید در قبال آن هشیار بود. به‌علاوه، یکی از موردهایی که اخیراً به‌نحوی پوشیده و بسیار دقیق تدارک و طرح شده است، کوشش برای دامن زدن به تفرقه در جنبش سندیکایی زحمتکشان است. از چند ماه پیش به این سو که موضوع احیای حقوق سندیکایی و ایجاد و احیای سندیکاهای مستقل در مقام سازمان پایه طبقاتی کارگران به یکی از خواست‌ها و شعارهای جنبش اعتراضی در سراسر کشور تبدیل شده است، رژیم می‌کوشد ترفند کهنه شده‌ای را دوباره زنده کند و رواج دهد. بنا بر این ترفند شناخته‌شده، سندیکا تنها شکل تشکل صنفی-کارگری نیست و می‌توان شکل‌هایی دیگر از تشکل کارگری را مطابق با تنظیمات و قوانین حاکم سازمان داد. تجربه گذشته به رژیم آموخته است که انجمن‌های اسلامی و شوراهای اسلامی و نظایر این‌ها، دیگر در میان کارگران خریداری ندارند و بنابراین، از طرح دوباره ایجاد و گسترش انجمن‌ها و شوراهای اسلامی به‌ظاهر خودداری کرده و عنوان‌هایی دیگر را مطرح می‌کند. نباید فراموش کرد که هیچ نهاد و سازمان دیگری نمی‌تواند جایگزین سازمان سندیکایی شود. در مرحله کنونی تأکید بر احیای حقوق سندیکایی و برخورداری از سندیکاهای واقعی، مستقل و طبقاتی کارگران وظیفه‌ای اصلی و اولویتی درجه اول به‌شمار می‌آید. جنبش سندیکایی زحمتکشان برای ارتقای نقش خود به‌تحقق این مطالبه پراهمیت نیازمند بوده و هست. این واقعیت یعنی ضرورت و اهمیت احیای سندیکاهای کارگری که تشکل مدافع حقوق صنفی و رفاهی زحمتکشان محسوب می‌شوند، با تشکیل نهاد شورا از سوی کارگران در واحدهای تولیدی و صنعتی‌ای مانند مجتمع نیشکر هفت‌تپه و دیگر کارخانه‌های بزرگ، به‌منظور نظارت کارگری بر تولید، مناقات و تقابلی نداشته و ندارد. با توجه به پیامدهای ویرانگر خصوصی‌سازی، فعالان سندیکایی وظیفه دارند درباره اهمیت تشکل سندیکایی برای تأمین و تضمین امنیت شغلی - متناسب با سطح آگاهی توده‌های کارگر - به ترویج و تبلیغ در این خصوص دست بزنند. نباید گذاشت رژیم با مانورهای حساب‌شده، با نیرنگ و فریب، خواست احیای حقوق سندیکایی را به‌انحراف بکشاند و از این طریق به‌زعم خود جنبش کارگری را مهیار کند. آماج رژیم، جلوگیری از تقویت و تحکیم موقعیت جنبش کارگری و سندیکایی است. برای رژیم و تشکل‌های زرد و زرد حکومتی آنچه اهمیت دارد حفظ نظام و مهار و سرکوب جنبش کارگری است. در این مقطع زمانی حساس، با درایت و پختگی و براساس تجربه‌های چهل سال اخیر، باید در صفی واحد و با اتحاد عمل فراگیر، توطئه‌های رژیم ولایت فقیه را خنثی کرد. هیچ مرز عبورناپذیری میان خواست ایجاد سندیکاها و برپایی نهاد شورا برای نظارت کارگری و مشارکت کارگران در واحدهای تولیدی-خدماتی وجود ندارد. نمایندگان و منتخبان سندیکاهای مستقل می‌توانند و باید در زمره فعالان نهاد شورا باشند و فعالیت در شوراها را مطابق اساسنامه سندیکا و وظیفه تشکیلاتی خود بدانند. این شکل دمکراتیک به‌سود منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت جنبش سندیکایی زحمتکشان است.

پرواضح است که منتخبان سندیکاهای واقعی می‌توانند در نقش فعالان نهاد شورا انجام وظیفه کرده و آن مسائلی را که قبلاً در سازمان سندیکا درباره آن‌ها بحث، بررسی و تصمیم‌گیری جمعی صورت گرفته مطرح کنند. به‌هرروی، مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی و تقویت سازمان‌های سندیکایی وظیفه‌ای درنگ‌ناپذیر در وضعیت کنونی است. کوتاه‌سخن، خنثی کردن ترفندهای رژیم ولایت فقیه، افشاندن بذر آگاهی طبقاتی در ذهن زحمتکشان، سازمان‌دهی اعتراض‌های پراکنده به‌هدف تقویت جنبش کارگری و پیوند دادن آن با جنبش ضد استبدادی، تأکید بر حفظ استقلال عمل طبقاتی و مبارزه خستگی‌ناپذیر در راه اتحاد عمل فراگیر، چنین‌اند وظایف دشوار مبارزان جنبش کارگری-سندیکایی در مرحله کنونی.

ادامه مبارزه پرستاران ...

اجتماعی از مسئولان می‌خواهند که قانون تعرفه‌گذاری را اجرایی کنند. بعد از سپری شدن ۱۲ سال از تصویب قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در مجلس، این قانون هنوز هم در کشورمان اجرا نمی‌شود. فعالان صنفی پرستاران عنوان می‌کنند که با اجرایی نشدن این قانون و "محاسبه بسیاری از اقدامات درمانی که در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی توسط پرستاران انجام می‌شود"، با تعرفه‌های بالاتر و "ثبت آن به نام پزشکان"، بیمه‌ها و مردم مجبور به پرداخت هزینه‌هایی سرسام‌آور می‌شوند.

در نمونه‌ای از بهره‌کشی ظالمانه از پرستاران و تاراج اندوخته زحمتکشان در صندوق‌های بازنشستگی‌شان، ایلنا، ۱۰ شهریورماه، از بررسی روزنامه سپید (روزنامه تخصصی پزشکی) در ارتباط با "نسبت دریافتی پزشک به پرستار" در ۱۴ کشور جهان گزارش داد. این "نسبت تقریباً از ۱/۵ تا حداکثر ۳ برابر" در کشورهای مورد بررسی بود و "بیشترین تفاوت نیز متعلق به آفریقای جنوبی و ایتالیا است که پزشکان کمی کمتر از چهار برابر پرستاران درآمد دارند." یک عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور "به ایلنا گفت: "اختلاف حداقل ۴۰ برابری بین درآمد گروه پزشکان و گروه پرستاری در ایران وجود دارد که در هیچ جای دنیا چنین اختلاف دریافتی وجود ندارد؛ این اختلاف گاهی اوقات به چند صد و حتی ۱۰۰۰ برابر هم می‌رسد." این عضو شورای عالی نظام پرستاری سخنان یک عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس را نقل کرد که در ارتباط با پرداختی از "طرح تحول سلامت" به ۹ پزشک، گفته بود: "درست نیست که هشت متخصص ۵۲ میلیارد بگیرند و تنها یک متخصص ۵۰ میلیارد تومان در طول یک سال از یک بیمه دریافت کند." به نظر این نماینده مجلس، با پرداخت "فقط" ماهیانه "۵۵۰ میلیون تومان" به هر کدام از ۸ پزشک متخصص، "ظلمی" به آنان روا شده است. با اجرای "طرح تحول سلامت" از سال ۹۳، در حین استثمار پرستاران کشورمان، با پرداخت حقوق‌هایی نجومی به پزشکان متخصص از اندوخته زحمتکشان در بیمه‌ها و اندوخته کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، رژیم ولایت فقیه بیمه‌ها را به مرز ورشکستگی پیش برده است. باید از مبارزه برحق پرستاران مبارز کشورمان برای اجرای "قانون تعرفه‌گذاری پرستاری" حمایت کرد، زیرا حمایت از خواست پرستاران، "به نفع مردم و بیمه‌هاست".

ادامه بسته ارزی دولت ...

۵ میلیون و سیصد هزار تومان برآورد کرده بود- روز ۱۹ شهریورماه به خبرگزاری مهر گفت: "کل هزینه سبد معیشت جامعه کارگری... در این بازه زمانی ۶ ماهه حدود ۸۰۰ هزار تومان افزایش داشته است. ... نظر جامعه کارگری این است که به دلیل آثار تورمی افزایش حداقل مزد، قدرت خرید کارگران از محل تأمین سبد کالاهای اساسی و به‌صورت غیرتقدی افزایش یابد." در همراهی با کارگران رژیم، رئیس کانون شورای اسلامی کار البرز نیز به ایستا، ۳۰ مردادماه، گفت: "در بحث افزایش مجدد مزد، نباید بار دیگری بر دوش کارفرمایان گذاشته شود." علاوه بر تاراج منابع مالی زحمتکشان از طریق افزایش سرسام‌آور قیمت ارز، شریعتمداری، وزیر صنعت، در گفتگویی با ایستا، ۲۳ مردادماه، با اشاره به اینکه در "دوره سه" ساله اخیر که "اقتصاد کشور به سمت اقتصاد آزاد و کنترل بازار بر بازار حرکت می‌کرد"، گفت: "با این نگاه نهادهایی مانند بازرسی وزارت صنعت، معدن و تجارت و بعضی دیگر بخش‌های نظارتی دولتی در گذشته منحل شدند. ... در گذشته هفت میلیارد دلار کالای بارانه‌ای میان مردم توزیع می‌شد که تقریباً به صفر رسیده است. رژیم در حالی که در سال ۹۶ ۱۰۸ میلیارد دلار درآمد ارزی داشته است، با تبعیت از دستورات صندوق بین‌المللی پول و در مقام پیششار در اجرای سیاست‌های اقتصاد آزاد، تمام منابع مالی لازم برای حمایت از زحمتکشان را نیز قطع کرده است.

در سالی که از سوی ولی‌فقیه سال "حمایت از تولید کالای ایرانی" نامیده شده است، به‌عنوان نمونه‌ای از اثرهای ویرانگر "بسته ارزی جدید" دولت، خبرگزاری ایلنا، ۱۸ شهریورماه، از "خراج ۲۰۰ کارگر" شرکت نساجی "جلفا کاران" ارس گزارش داد. یکی از مدیران این شرکت از تعطیل شدن کامل این نساجی در آینده‌ای نزدیک و بیکار شدن ۳۲۰ کارگر باقیمانده بر اثر ارائه "بسته ارزی جدید دولت" خبر داد. مدیر این شرکت نساجی در ارتباط با "خرید مواد اولیه" کارخانه، افزود: "ان زمان ما ارز ۴۲۰۰ [تومانی] دریافت می‌کردیم، اما الان به ما می‌گویند از صرافی ارز ۸۰۰۰ تومانی بخرید. ... کارخانه توان ترخیص کالا را با ارز ۸۰۰۰ تومانی از گمرک ندارد لذا کامیون‌ها پشت مرز مانده‌اند و هر روز که می‌گذرد کرایه بارها بالاتر می‌رود." مدیر شرکت همچنین افزود: "تزدیک به ۵۰ درصد از کارخانجات کاشان از نخ تولیدی این شرکت استفاده می‌کنند. ... رقیبان ما قصد داشتند شرکت را زیر سؤال ببرند آن‌هم برای اینکه قیمت تمام شده ما در منطقه‌ی آزاد جلفا و ارس پایین است. ... ما هم تعرفه گمرکی و هم ارزش افزوده می‌دهیم." به‌عبارت دیگر، با "بسته ارزی جدید" و اقتصاد مقاومتی رژیم، با تعطیل شدن کارخانه‌هایی مانند "جلفا کاران"، وابستگان رژیم و پاسداران قاچاقچی "در منطقه آزاد ارس، بدون پرداخت تعرفه گمرکی و ارزش افزوده"، سودهایی کلان به‌جیب خواهند زد.

بخش خصوصی شامل پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و معدنی‌ها و دلالت‌ها که متشکل از وابستگان با نفوذ رژیم‌اند، بخشی قابل توجه از منابع ملی ما را تاراج می‌کنند و سهم مهمی در افزایش لگام گسیخته ارز داشته‌اند. بنا به‌گفته یک اقتصاددان، این بخش خصوصی سالیانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار یارانه دریافت می‌کنند. حسن روحانی در پاسخ به سؤال نمایندگان مجلس در ارتباط با افزایش لگام گسیخته نرخ ارز و شرایط اسف‌بار معیشتی زحمتکشان، گفت: "به‌نظر بنده اشکال از تصور مردم و تردید ملت ایران نسبت به آینده ایران بوده است." در حالی که در توصیف نحوه ارایه ارز و سکه، حتی یکی از نمایندگان مجلس گفت: "بیش از ۶۱ تن سکه به نصف قیمت به تعدادی دلال فروخته شد. کارگران و زحمتکشان در اعتراض‌های گسترده و روزانه‌شان، خصوصی‌سازی بنگاه‌های تولیدی، آزادسازی اقتصاد و ساختار به‌غایت فاسد دستگاه حاکمه را به‌صراحت دلیل ویرانی امنیت شغلی و معیشت‌شان و پرداخت نشدن ماه‌ها دستمزدشان عنوان می‌کنند. رژیم ولایت فقیه و رئیس‌جمهور آن روحانی از وضع موجود آگاهی کامل دارند. به‌رغم درآمد هنگفت از فروش منابع طبیعی و کاهش "۷۳ درصدی قدرت خرید زحمتکشان در مدت چند ماه، رژیم مستمگر ولایت فقیه کوچک‌ترین قدمی در راستای کاهش درد زحمتکشان برنداشته است و صرفاً بر سرکوب جنبش اعتراضی تأکید دارد. تشکل‌یابی زحمتکشان و حمایت جانانه و قاطع از مبارزات برحق و متحد زحمتکشان، تنها راه رهایی کشورمان از ستم رژیم ولایتی است. پیش به‌سوی مبارزه متحد و متشکل در راه احیای حقوق سندیکیایی و تقویت جنبش کارگری کشور.

ادامه نه به تعطیلی کارخانه‌ها ...

شرایطی مناسب برای چنین مدل‌هایی فراهم کنند. تعریفی جدید از نقش و گسترش ساختار حاکم- هلدینگ‌ها- و نظارتی دمکراتیک بر آن‌ها در بخش زارلند یا دیگر بخش‌ها. ما کمونیست‌ها یک بار دیگر تأکید می‌کنیم که برای مقابله با تأثیرهای زیان‌بار و مخرب سرمایه‌داری واقعاً موجود، باید از همین امروز در راه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و همچنین جلوگیری از افزایش قدرت کنسرن‌ها به‌مبارزه برخاست و حق تصمیم‌گیری و دخالت در مسائل مهم سیاسی را برای کارگران و زحمتکشان محترم دانست. موضوع مهم دیگر آن است که باید در امر اصلاحات ساختاری در عرصه مالکیت و تناسب دارایی‌ها مداخله کرد. اما انجام این تغییرها بدون مبارزه قاطع و همبستگی کارگری دست‌یافتنی نخواهند بود. هیچ چیز به‌خودی خود به‌شکلی مثبت در نخواهد آمد. باید درباره طرح‌های عملی و سیاست‌های بنیادی اندیشه شود و آن‌ها را به بحثی عمومی اجتماعی و سیاسی کشاند و گسترش داد. مسلمانان پیشنهادها و خواست‌های پرشماری روی میز قرار خواهند گرفت. با توجه به وضع حاضر هیچ خط قرمزی را در ارتباط با این موضوع‌ها نباید ترسیم کرد. اتحادیه‌های کارگری می‌توانند در این میان نقشی بسیار ارزنده بازی کنند. اتحادیه‌های کارگری باید این نقش مهم اجتماعی و سیاسی را به‌عهده گیرند و این وظیفه سترگ را به‌سرانجام رسانند. اکنون زمان همبستگی با کارگران کارخانه ریخته‌گری هالبرگ در شهر زاربروکن و لایپزیک است و این همبستگی را باید گسترش داد و تقویت کرد: نه به تعطیلی کارخانه‌ها، نه به اخراج کارگران، آری به تضمین امنیت شغلی! ما تلاش‌هایی مؤثر و سازنده در راستای تضمین امنیت شغلی کارگران از سوی حزب‌های حاکم سوسیال‌دموکرات و دمکرات مسیحی و کمک به کارگران مبارز را خواهیم.

زایش بحران در درون خود نیز هستند، زیرا این شرکت‌ها شکاری آسان برای سرمایه‌گذاران به قصد تصاحب سود بیشتر هستند. هر بخشی که بخواهد مستقل عمل کند و به یکی از این کنسرن‌های بزرگ متعلق نباشد، در معرض خطر نابودی قرار می‌گیرد. این به معنای پیش بردن قانون شناخته‌شده‌ی خشن و بی‌رحمانه‌ی سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری در صورتی که افزایش قیمت‌ها و تحمیل هزینه بیشتر بر سید معیشت کارگران ممکن نباشد، سعی به تسریع تمرکز سرمایه خواهد کرد. مؤسسه "ان‌ها گ"، یک شرکت سنتی و قدیمی و دومین شرکت صنعتی ثروتمند در زاربروکن است. با تعطیلی این شرکت در هالبرگ، تعداد پرشمار دیگری از مشاغل صنعتی و به همراه آن یکی از مهم‌ترین مؤسسه‌های آموزش صنعتی از بین خواهند رفت. در چنین وضعی کاهش اشتغال در زاربروکن به صورت روندی روزانه درآمده است مثلاً در واحدهایی مانند: ابر اسپیک در نوین کیرخن، آ ب ب / الستم پاور در بکسباخ، شمیده در فولکلینگن و جز این‌ها. حدس زدن درباره‌ی دیگر تأثیرهای منفی رشد بحران‌های اقتصادی در نظام سرمایه‌داری جهانی در عرصه تجارت و جنگ‌های تجاری غیرممکن است. در ادامه این روند، باید تغییرهای سریع تبدیل خودرو با سوخت فسیلی به خودروی برقی و همچنین استفاده سریع از صنعت نوین [یعنی استفاده از کامپیوتر و دیجیتالی کردن تولید و فروش محصولات] را هم باید در نظر داشت. ابرهایی تیره و تار به خصوص برفراز شهر زارلند با تقریباً پنجاه هزار کارگر و کارمند در صنعت خودرو سازی، دورنمای آینده شغلی کارگران را تیره‌تر کرده است.

همه این مسائل شناخته شده‌اند. راجع به همه این خطرها باید دقیقاً تعمق و نتیجه‌گیری کرد، باید اقدام‌هایی مناسب، پایدار و فوری را در زمینه‌های اقتصادی و دستمزدی اتخاذ کرد. یعنی اینکه باید به کارگران تمامی واقیعت را گفت و همه چیز را روی میز گذاشت. به نظر حزب کمونیست آلمان ("د کا پ")، همه این تحول‌های منفی نتیجه اقتصاد سرمایه‌داری و ترکیبی از رشد تکنولوژی است. مرکز ثقل این نظام بر مالکیت سرمایه‌دار بر وسایل تولید و به دست آوردن حداکثر سود استوار است. تا زمانی که به اصطلاح بازار رقابت و بازار سرمایه به‌منزله تنها جایگزین این نظام مورد ستایش قرار می‌گیرند، پایان کار نیز واقیعتی دردناک خواهد بود. اقدام دولت، دولتی که ترکیبی است از حزب‌های "سوسیال مسیحی" و "سوسیال دمکرات" یعنی حزب‌هایی که تنها حرف "س" را با خود یدک می‌کشند چگونه است؟ - منظور از حرف سین در اینجا پیشوند "سوسیال" است. از طرفی دیگر، اقدام حزب سوسیال دمکرات ("اس پ د") که ادعا می‌کند نگران وضعیت آینده کارگران است و نماینده آنان است چه خواهد بود؟

تحلیل حزب ما ("د کا پ") این است که، این دولت و اقداماتش بر اساس رهنمودهایی نولیبرالی با ترکیبی از ناتوانی و سردرگمی است. نقش این حزب‌ها در نهایت چیزی در حد مجری و هدایت کننده برنامه‌های سرمایه‌داران است. نقشی که در واقیعت امر سودی برای زحمتکشان به همراه ندارد. دولت ائتلافی موجود ادامه حکومتش را با همین برنامه‌های نولیبرالی پیوند زده است. تأسفبار این است که همان ساختار اقتصادی و اداری نولیبرالی برای آینده اشتغال در زارلند در نظر گرفته شده است. از زمانی که وزیر و رئیس دولت سوگند یاد کردند از منافع مردم زارلند دفاع خواهند کرد مدت‌زمانی می‌گذرد. اکنون باید پرسید: تا کنون برای این بخش چه کاری انجام داده‌اند؟ ما کمونیست‌ها سیاست اقتصادی و صنعتی‌ای را خواهیم که آینده اشتغال را برای کارگران و زحمتکشان تأمین کند. انجام اقدام‌هایی قانونی بر اساس قانون اساسی ایالتی در راستای اصلاحات ساختاری و بنیادی که بنا بر قانون اساسی هم حق مالکیت هم حق داشتن کار محفوظ بماند. احترام گذاشتن به شکل‌های جدید مالکیت مانند حق مالکیت کارگران و زحمتکشان و حمایت از تعاونی‌های کارگری و تضمین آن‌ها. ایجاد صندوق‌هایی دولتی و مؤسسه‌هایی که بتوانند

ادامه در صفحه ۳

نه به تعطیلی کارخانه‌ها، آری به امنیت شغلی کارگران! کارگران صنعت ریخته‌گری آلمان در راه تأمین امنیت شغلی مبارزه می‌کنند!

اعلام همبستگی حزب کمونیست آلمان (کمیته زارلند)

با مبارزات و اعتصاب‌های کارگران ریخته‌گری هالبرگ - زاربروکن: کارگران کارخانه ریخته‌گری هالبرگ واقع در زاربروکن آلمان، که از سال ۱۹۷۲ میلادی در مالکیت یک کنسرن فرانسوی است، به مدت پنج هفته است که به مبارزه‌شان از طریق اعتصاب برای تأمین امنیت شغلی ادامه می‌دهند. این مبارزه، مبارزه‌ای است برای حفظ یک هزار و پانصد شغل، مبارزه‌ای است به‌خاطر خانواده کارگران و آینده فرزندان آنان، اعتراض به برنامه‌ای است که قرار است به سقوطی کامل منجر شود. روند رشد و توسعه این کارخانه بیانگر سرشت و سیمای واقعی نظام سرمایه‌داری است. سال‌ها بهره‌کشی از کارگران و انباشت سرمایه و سپس بحران مالی سال ۲۰۰۹ در صنایع خودروسازی موجب شد تا پس از این بحران، مدیریت این کارخانه به یک شرکت خصوصی سرمایه‌داری دست دوم هلندی به نام "هات پ"، واگذار شود. این معامله از یک سو کسب و کاری است برای به دست آوردن سود بیشتر و از طرف دیگر نجات شرکت‌های ورشکسته. در سال ۲۰۱۸ این کارخانه به یک کنسرن بین‌المللی به نام "پرونت گروپ" واگذار شد. در حال حاضر شرایط کاری کارگران کارخانه‌های زاربروکن و لایپزیک رو به‌خوامت نهاده است. پس‌زمینه این اوضاع وخیم، ترکیبی از فساد، رقابت شدید در بازار خودرو، فشار شرکت‌های بزرگی مانند فولکس واگن، کسب هرچه بیشتر سود و اخذی است. پرونت گروپ می‌خواهد بار مشکلاتی را که با مشتریان اصلی فولکس واگن به‌وجود آورده بر دوش کارگران بیندازد. بدین معنا که کارخانه ریخته‌گری در لایپزیک با ۶۰۰ کارگر باید تعطیل شود و در زاربروکن هم باید ۳۰۰ کارگر اخراج شوند، و تا آنجا که به آینده کارخانه زاربروکن مربوط می‌شود، تنها تا پایان سال ۲۰۱۹ از تضمین امنیت شغلی کارگران صحبت می‌شود. بنابراین، اساس معاملات بازرگانی برای به‌اصطلاح قراردادهای آینده پایان یافته تلقی می‌شود و پس از آن کارگران باید بر اساس قراردادهایی جدید و برای حفظ شغل‌شان سهمی از پرداخت بدهی‌های صاحب کارخانه را به‌دوش کشند. "سندیکای صنعت فلزکاران" ("ای گ متال") و نماینده کارگران به‌درستی این نوع قراردادهای را مردود دانسته و قراردادی جامع‌تر و اجتماعی‌تر برای کارگران زاربروکن و لایپزیک را خواستار هستند. سندیکای صنعت فلزکاران همچنین ایجاد یک صندوق مالی را خواستار است تا تمام دارایی‌ها در شرکت محفوظ بماند تا در هنگام ضرورت پول کافی در اختیار باشد.

یکی از عامل‌های بحث برانگیز، خط‌مشی‌ای است که کنسرن‌های تولید خودرو در کل و نه فقط در کارخانه فولکس واگن در برابر تأمین کنندگان قطعات اتخاذ کرده‌اند. این روش نشانگر بحرانی است که این صنعت با آن درگیر است. راه حل کنسرن‌های تولید خودرو برای برون‌رفت از این بحران فشار هرچه بیشتر بر کارگران و تأمین کنندگان قطعات است. صنعت تأمین کننده قطعات یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین بخش‌های زنجیره اقتصادی محسوب می‌شود، ولی در صنعت انحصاری تولید خودرو بخشی ضعیف به حساب می‌آید. این شرکت‌ها، به تناسب وسعتشان، مستعد



لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۱۱
Name Mardom - Workers Supplement No. 11

17 September 2018

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

